

# ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمد حسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

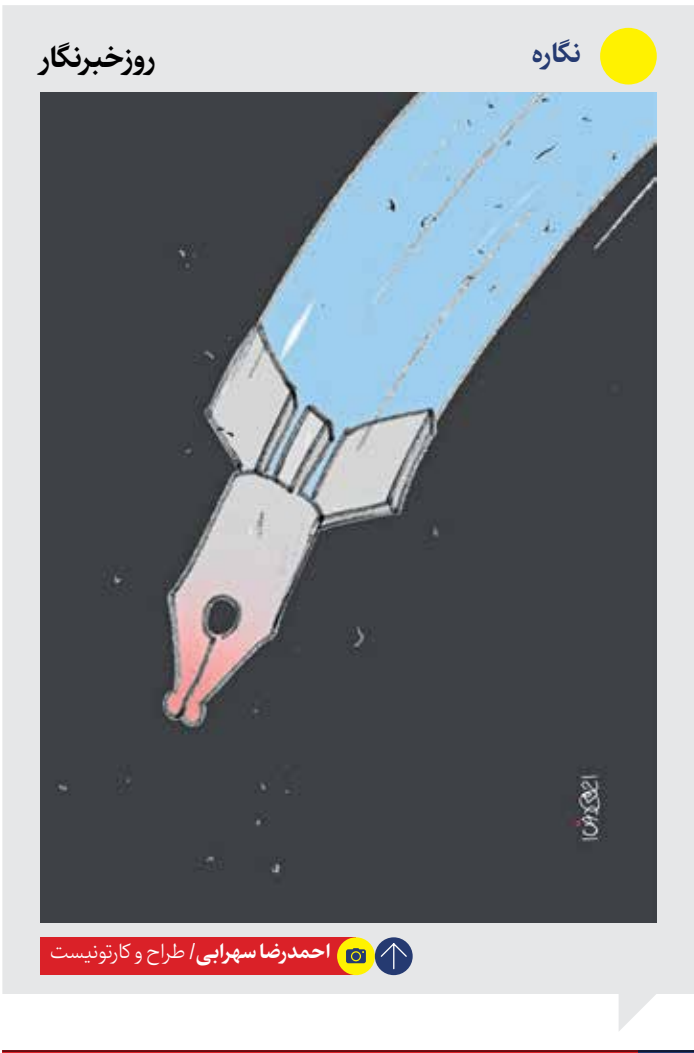


سخن‌روز

**امام‌رضا علیه‌السلام فرموده‌اند:**

عبادت پُرروزه داشتن و نماز خواندن نیست و همانا عبادت پُراندیشه کردن در امر خداست.

(تحف‌العقول، ص ۴۶۶)



## فضای مجازی



شود. این بازیگر پیشکسوت به اصرار دیگران برای ورود پاسخ منفی می‌دهد چون او می‌داند با ورودش مردم به او ابراز محبت کرده و عرض ارادت به او ممکن است باعث بی‌احترامی به قرآن شود.

### رهبر ایران به ایمان و مردمش تکیه دارد

وحید یامین‌پور در تازه‌ترین یادداشت اینستاگرامی اش به مناسبت دیدار رهبر انقلاب با کارکنان و خانواده‌های ناکارگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش نوشته است: «بسیاری رضاخان را با ایجاد «ارتش نوین ایران» می‌شناسند؛ ارتشی که قرار بود نهاد ایران مستقل، قدرتمند و متحد باشد. استغفانی کروین در کتاب «رخساشاه و شکل‌گیری ایران نوین» می‌نویسد: «ارتش رضاخان، سپاهی بزرگ اما ضعیف و ناکارآمد بود. شاه خودش، آنزوا را ملتش را با تکیه بر ارتش جبران می‌کرد. اما چون از افسران ارتش به نحو مرمکباری می‌ترسید فرماندهان عالی‌بی‌کفایتی برمی‌گزید.» رودی ماتی می‌گوید: «امور نظامی و امنیتی پهلوی اول، یک‌سوم کل بودجه کشور را می‌بلعید!» این زمانی است که مردم در رنجِ حفطنی حتی نان خالی برای خوردن پیدا نمی‌کردند ولی شاه در حال ریختن پول به پای ارتش خود بود. اما در نهایت همین ارتش در شهریور ۱۳۲۰ فروریخت و شاه گریخت. «بودجه دفاعی ایران حالا حدود ۵ درصد کل بودجه کشور است. اما اقتدار جمهوری اسلامی را به رخ همه کشیده است. رهبر ایران به ایمان و مردمش تکیه دارد بنابراین فرماندهانش از بلندهمت‌ترین و نخبه‌ترین کارآزمودگان نظامی‌اند.



در دهه‌ی ده‌واژه سالگی به دستم رسید و پس از خواندن آن، این حس وابستگی در من ایجاد شد. یانه آن روزهایی بود که وقتی جعفرابراهیمی در ده سالگی‌اش نوبی روزستانی «هوزه» اردبیل در کنار چشمه آب، کودکی‌اش را جا گذاشته بود و برای درس خواندن به تهران رفته بود و بعدها با خلق «یک سنگ و یک دوست»، «بیزی»، «هوا بوی گنجشک می‌داد»، «همزاد» و ده‌ها اثر دیگر او، این حس شیرین به سرانغم‌آمده بود. نمی‌دانم شاید هم وقتی بود که کمی بزرگ‌تر شده بودم و محمدرضا بایرلمی مجموعه قصه‌های سبیلان: «کوه مرا زان» و «بر لبه پرتگاه» و «در بیلاق» را نوشته بود. … و شاید هم زمانی بود که قصه جمشید و شکور را با آن قرفی مجروح در رمان «آشیانه در مه» امیرحسین فردی خوانده بودم. … شاید هم از خواندن قصه‌های دیگر از نویسندگان دامنه این کوه زیبا بود. … نمی‌دانم هرچی بوده و هست این کوه رازآلود و جادویی را از کودکی دوست داشتم‌ام و همیشه دل‌بسته زیبایی‌های آنم. «



مومسیتی تازه نهمورس پورناظری
نهمورس پورناظری متنی را در اینستاگرام منتشر کرده و از دنبال‌کنندگان صفحه خود درخواست کرده برای ساخت موسیقی تازه‌اش شعر پیشنهاد بدهند.



**خیر کارگردان «پوست شیر» از اکران فیلم تازه‌اش**
نوبید محمودی با انتشار ویدئویی از اکران فیلم تازه‌اش خبر داده است. «آخرین تولد» به کارگردانی و نویسندگی نوبید محمودی که دو سال قبل با نام «سقوط کابل» پروانه ساخت گرفته بود، پس از دو سال از ۱۸ مرداد ماه با سرگروهی سینما هویزه مشهد در سراسر کشور اکران عمومی می‌شود. نوبید محمودی پیش‌تر فیلم‌های «رفتن»، «هفت و نیم» و «مردن در آب مطهر» را کارگردانی کرده بود و تهیه‌کنندگی فیلم‌های «چند متر مکعب عشق»، «شکستن همزمان بیست استخوان» و سریال نمایش خانگی «پوست شیر» را برعهده داشته است. در فیلم «آخرین تولد» الناز شاکردوست، پدram شریفی، شیدا خلیق، آرمین رحیمیان، سوگل خلیق، نیلوفر کوخانی و رضا بهبودی به ایفای نقش می‌پردازند.

- آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرآ کشور(زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
- حجت حکیمی(صفحه‌رایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

## نقل قول



شهاب حسینی بازیگر

متأسفانه می‌توان گفت ما به‌هیچ‌عنوان در حال حاضر کم‌دی عمیق یا تأمل‌برانگیز نداریم. درباره سینمای غیرکم‌دی هم به‌نظرم این اتفاق برای مخاطب بارها رخ می‌دهد که به سینما می‌رود و دست خالی سالن را ترک می‌کند. مخاطب شاهد انواع خوش‌رقصی و بزرگ‌کردن‌های ما روی پرده سینماست درحالی که هیچ‌کدام از اینها جانش را سیراب نمی‌کند. وقتی چنین اتفاقی رخ می‌دهد، مطمئناً مخاطب هنگام خروج از سالن سینما با خودش قرار می‌گذارد که دیگر فیلم مزخرفی که در انتقال پیامش ابتر و ناتوان مانده را انتخاب نکند و حداقل اگر می‌خواهد این هزینه را بر خودش و زندگی‌اش تحمیل کند سینمای کم‌دی را انتخاب کند و دقایقی بگذرد. ماجرای سینمای ما این است که دوستان غیرکم‌دی‌ساز هنوز درباره اینکه چطور باید روی جامعه تأثیر بگذارند و اساساً اصل دغدغه‌شان چه بوده، به سرمزتل مشخصی نرسیده‌اند و به خاطر همین هم آماده وارد عرصه فیلمسازی نمی‌شوند و در نهایت فیلمشان هم به قول مولانا شیربی‌یال و دم و واشکم از آب در می‌آید.

|بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر و کارگردان با ایلنا به بهانه اکران فیلم «مقیمان ناکجا»

### یادداشت



محسن نفر آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

گفتیم، تاریخ تبیین می‌کند. علم تبیین است. تبیین وقایع گذشته و هنر بازگویی آنهاست به روش خودش. پس هنر هم در تبیین مشارکت دارد، آنگاه که وقایع تاریخی را روایت می‌کند. اما تبیین در هنر، صرفاً دنبال شدن حوادث و وقایع، پشت هم، مانند تاریخ نیست! بلکه اهمیت و برجسته شدن آنها مهم است.

ممکن است حتی یک حادثه و موضوع تاریخی در هنر مطرح شود، ولی از اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد که نتواند توسط هنر برجسته و چشمگیر شود! از این لحاظ است که بسیاری موضوعات تاریخی درباره شخصیت‌ها، دوره‌ها، مکان‌ها، آیین‌ها، آداب، رسوم، وقایع (جنگ، صلح، قطعی، بلایای طبیعی و…) هم درهنر، موضوع روایت واقع شده و برجسته و چشمگیر و حتی جاوید و ابدی می‌شوند.

این معجزه هنر است که می‌تواند به موضوعی، اهمیتی فوق‌العاده و ابدی ببخشد. تبیین، کار علم است. علوم ریاضی، بهترین محمل تبیین حقایق‌اند؛ تبیین یقینی. علوم طبیعی، روابط میان پدیده‌ها را تبیین می‌کنند و علوم انسانی، حالات، عقاید، عادات، سلایق و گرایشات، حوادث، فعالیت‌ها، علایق، سرزمین‌ها و جمعیت‌های انسانی را تبیین می‌کنند. نتایج در تبیین‌های ریاضی واحد و نزدیک به هم، در علوم طبیعی، با دقتی کمتر از ریاضی، رضایتبخش و قابل اعتماد و در علوم انسانی، بسیار متنوع و متغیر است. انسان، پیچیده‌ترین و عجیب‌ترین محصول خلقت، هر لحظه، دستخوش حالات و حرکاتی می‌شود که گاهی نامعهود و خارج از قاعده است و تبیین آنها، گاهی صرفاً تبیین نیست و از حدود تبیین فراتر می‌رود. مثلاً در ادبیات موضوعاتی هست که حیظه آنها، توصیف است، زیرا ادبیات و شعر، محمل مدح و ذم است و مدح و ذم، عرصه توصیف است. گاهی هم خروج از تبیین، متضمن ورود به حیظه تفسیراست. اینجا قلمرو روانشناسی و جامعه‌شناسی (به صورت جزئی) و فلسفه (به طور کلی) است. این علوم، به تبیین و فراتر از آن به تفسیر موضوعات می‌پردازند. فلسفه، به تعبیری، نوعی از آگاهی است که به تفسیر جهان و عالم می‌پردازد ولی نتایجش ثابت، واحد و ممتن است. البته فلسفه‌ها، با هم متفاوت و نتایج‌شان نیز متفاوت است، ولی هر فلسفه، نتایجش برای آن ثابت، واحد و ممتن است. فلسفه مطالعه در کثرت و کثرات می‌کند ولی به نتایج واحد و ثابت می‌رسد.

اصلاً اگر فلسفه، به نتیجه ثابت و واحد نرسد، دیگر فلسفه نیست. تفاوت علم با فلسفه در این است که نتایج درعلم، ثابت نیست. تا اطلاع ثانوی ثابت است. به محض پیدایش متغیرات جدید، نتایج جدید می‌شود و تغییر می‌کند! زیرا علم برجزئیات و جزئی، مطالعه می‌کند و جزئی، تغییرپذیر است.

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳؛ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰-۱۵۸۷۵؛ **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۰(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

## درنگ



دکتر فاطمه‌اریگانی کارشناس فرهنگی

۱-اگر پایت به چایخانه هیأت هنر رسیده باشد قاب‌عکس‌های روی پیشخوان دلت را روشن می‌کند که اینجا هیأت با‌معرفت‌هاست. با خودت فکرمی‌کنی کاش من هم زیر همین خیمه نفس‌آخرم را بگشتم. آن وقت خیالم‌راحت است که تا بساط این عزاداری‌ها برپاست من هم اندازه یک قاب عکس روی طاقچه اینجا سهم دارم و هرسال یاد همه می‌ماند یک نفر بود که یک عمر پایه‌های خواهر برادرهایش بر مصیبت ابا عبدالله(ع) اشک ریخت.

۲-هیأت‌قرار است نسبتت را با امام تنظیم کند و روح‌ت را به او پیوند بزند. اصلاً ولایت یعنی همین به‌هم‌پیوستگی و اتصال شدید. هرچند که آدم‌ها معمولاً فکرمی‌کنند ولایت یعنی فقط دوست‌داشتن امام؛ پس هیأت می‌شود جایی که بروی با گریه بر امام و سینه‌زدن برایش دوست‌داشتنت را نشان بدهی و بعد بیرون هیأت زندگی عادی را ادامه بدهی.

البته که هیأت این هم هست اما همه‌اش این نیست. ۳-ولایت از اتصال و بهم‌پیوستگی عمیق افراد هم‌پیمان به یکدیگر شروع می‌شود. یعنی نسبت‌گرفتن با امام تنهایی نمی‌شود. باید بروی با خواهربرادرهایت ببایی. با کس‌تانی که آنها را مثل جانت عزیزمی‌داری، از احوال‌شان خبر داری، با غم‌شان غمگینی و با شادی‌شان خوشحال. اینکه زیارت اربعین با همه سختی و کوتاه بودنش از زیارت‌های عادی سر صبر، هزار بار بیشتری چسبید یک دلیلش همین است که در آن مسیر بهشتی هرکس هرچه دارد به‌خاطر امام خرج خواهربرادرهایش می‌کند و راه عزیزشدن نزد ابا عبدالله(ع) را خدمت به زوارش می‌داند.

۴-شرط دوم ولایت این است که مرز داشته باشی. یعنی صف خودت را از هرکس که چشم دیدن پیوندهای ولایی را ندارد، جدا کنی. صحنه کریلا صف حق و باطل دارد. اگر کل یوم عاشورا و کل ارض کریلا، پس کل لحظات، عرصه تقابل اینها است. آن اتحاد و انسجام، در برابر این غیرت‌فهمی است که معنا پیدا می‌کند.

۵-و در نهایت، ولایت اتصال و پیوستگی عمیق با امام است. همان قطب و محوری‌که منر و معیار صف اول و دوم بود؛ هم‌او‌که تکلیف سلم لمن سالکم و حرب لمن حاربکم را روشن می‌کند.

۶-برای من هیأت جایی است که اینها را با هم داشته باشد و هیأت هنر از آن جاهایی است که به این معنا حق ولایت را درست جغما می‌آورد. از در که وارد می‌شوی، می‌بینی آن گوشه‌کنارها آدم‌ها با چشم‌های برق‌افتاده از ذوق دیدار بساط احوالپرسی‌شان گرم است. بچه‌ها در امنیت کامل برای خودشان پادشاهی می‌کنند و خاطره می‌سازند و قدشان اگر یک وجب بلندتر شده باشد، در بساط هیأت بازی داده می‌شوند؛ حالا شده دسام کوچکی روی دوش‌شان باشد و در دسته پایه‌های بزرگ‌ترها مژگه بنوازند یا فرباد درخواست کمک به هیأت‌شان گوش‌ت را پر کند یا بین عزادارها سینی چای و شربت بگردانند. مهم این است که زیر این خیمه متصل شدن را یاد بگیرند.

۷-البته دایره این پیوندها فقط محدود به آدم‌های زیر خیمه نیست. ماکت میزکار آوینی آن گوشه حیاط گواهی می‌دهد که هرکس در این عالم طعم ظلم را چشیده و در برابر سبلی استکبار مقاومت کرده، برادر ماست. می‌خواهد در همین خوستان خودمان باشد، یا در دل بوسنی و هرزگوین… از همین جا مرزهای دوست و دشمن هم روشن می‌شود. هیأت هنر در تعیین دشمنش لکت ندارد چون دوست‌هایش را خوب می‌شناسد.

۸- و همه اینها کنار هم عرض ارادت به ابا عبدالله(ع) را زیر این خیمه شیرین می‌کند. انگار همه دارند تلاش می‌کنند مصلحتی آن بنیان مروضی باشند که خداوند در سوره صف آن را از مؤمنان طلب کرده است. شاید گویی وقت سینه‌زنی و روضه‌خوانی‌اش کوتاه است؛ باشد. در دیوار اینجا به زبان طرح و نقش روضه می‌خوانند. شاید گاهی از یک بیت فلان شعر مداح خوشت نباید؛ باشد. آدم‌ها معصوم نیستند که اگر صدتا بنا ساختند، حق اشتباه در گذاشتن حتی یک آجرش را نداشته باشند. مهم این است که روح حاکم بر هیأت چه باشد. هیأت هنر برادری را بلد است، دشمنش را می‌شناسد و برای امامش روح و جسمش را کف دست می‌گیرد؛ و مگر هیأت جز این است؟



خبرنگار عمدمار جبهه قلم است قلم، چراغ، قلم رهنما، قلم علم است

علم به دوش، علمدارهای بیدارند که از غم من و درد شما خبر دارند خبرنگار خیر داره از سلام بهار قلم به دست گرفته به احترام بهار

**نغمه مستشارنظامی – شاعر**



برداشت خارک و زقط بیش از۲۰میلیون

اصله نخل در آبادان آغاز شد. پیش‌بینی می‌شود، ۲۰هزار تن محصول از این نخلستان‌ها برداشت شود. نوع نخلستان‌های آبادان استعمار، برچی، گنثار و زاهدی هستند که بیشتر در حاشیه رودخانه بهمنشیر جنوبی و شمالی هستند.

● عکس:فارس